

خارج حیطه ادراک و نام دوران سلطان الفضل و برهان العلماء  
 خورشید اوج سعادت و اقبال گوید سحر ج و فضیلت کمال  
 خواجه افندی حضرت بزرگوار آن خواجه که هست ز تاشه خاسته  
 تدبیر حال دولت تابد کار ملک قند کا به اصحاب معارف و کمال و قلم  
 جانی ارباب جاه و جلال کعبه قوافل حشمت حایل و رکن خطب صلوات  
 روی مال آینه که منظر نظر انعام و افتخالی اولوب حساب کبیر حضرت امام  
 تحصیل تمضمض نام و لقب بالکلام ایچکله نوبت سلطان باری نسیان ایل  
 بین الاقران قدر و عنوان پوشش در فی الواقع سر رفعتی اوج ستمایه محسن  
 اولوسه رواد که خاکستان ستاد شانه زو مال پیشه و زو وجود  
 نامداری دار الضرب جهان کمال العیار اولوسه لایق و سزاوار که یونته احکام  
 کندونی قال آینه قدر شسته خجسته کسان رفعتی عروج استه خلق  
 و جدید که اول شخص نشان احسانه مقال اولوسه و تمال وجودی خزان  
 اجزاقین خلاص اولوسه بریدر که جهت سعادت رفعتی اوج اولوسه در  
 جفا که بر ذات شریف در که انواع حکام اصلاح و مراح ایشافا قلم موصوف  
 وات مستوره به صفاتی حلیه کالات بی نهایت بله درین ایدو کی نور خورشید  
 روستدن سنور و معروف و جامع فنون دانشوری مالک ملک کلام  
 سخنوری درج دوران حکما مشهوری جو اهر زو اهر جاد و ما تامله و محال  
 مناقب قفاخری بیجا مع صاحب باطن و ظاهر ده مینلو ملاحت و بر اعدت  
 یرانه و ضاحت شکاری انگشت بجای ارباب حکم و با لستان اصحاب قلم  
 اولوسه مشهور و نشانه بدیدضا اولوسه کون گمی ظاهر و سوبلا در بو نام ده  
 طبع عالی و ذات معالی مشغری نظر اشعار ترکی به کوشش و زرشک بی کلام  
 در نه دم کنت و اقتدار ارباب اولوسه یک رقم زده قلم حمار و رجات کلک  
 ذخاری کوسنواره کوشن اصحاب عرفان اولوسه و زو در کون هوش از دعا اولوسه  
 لایق و سزاوار در خیز زمانه که کلمات جهانده خجسته و جانتیم کلمات  
 که بر اوت فی ایلد منتقح و کبیر سنور و سنین در خاطر فانی علین صحبت فرخ  
 قضا

و تیغ زو ایل بله منشا و منشعب و عقیده تریا کما و اذات که الهی است  
 و منتظر اولوب عهد لیل و نهار کی سر شسته نصا وقت و محال صفت منقطع مجرم  
 و کلدر شیا علیه بوندن زنده کیمت با دایای قلامه میدان اکثر کلامه حضرت  
 و خرام و بر میگین منقطع العقال و متجلی لیل و قلم قدری بود که کلمات  
 مانند خود قانری مشام طعمه ستوده اطواری بنجر و مسطر و مثال شسته  
 بستان قلوب ایل پشیری خفته و منتظر ایدان کلمات فصاحت سمانه کلامه  
 جفا و جوری بله که یار الیتمه نسیدر  
 دل و جانده انک هر ری لطف ممال  
 طریق عشقده اخرو جودی خاک ایدرم  
 سر شنگ جف مملد هر لاری مال ایدرم  
 عز و فراق و ملامی عقله ممکن جبر  
 خم آینه بار غمگانه کمان کبی قدم  
 که واقف شسته ز در جهان بفر ایدرم  
 ندایم ما کس کاری نه آرزو برود که با  
 سیرده دل پرست لاری تا جیش ایدرم  
 لصد جان ایل زنا تعلق بر شسته جان  
 محمد زهنت صحایف حلال فضایل حاصل و ز نامه سوابت حاصل صانع  
 خزانة فضل و کمال تحصیل اموال معارف افضال سدر کماة دیوان سلطه  
 قند لکه مستوفان اموال خاقانی عالم و عرفانک خورشید روشن خجسته  
 و دستار مثال باش اوزره بیلیدن ذولکند زاده لکه بریدر ذنبت عامل  
 قلب جمیلده در عهد اولان معارف جزئین باقی قومیدوب با تمام تحصیل  
 ایلد معارف و کالات و لطائف توفیق و تطبیق ایشیکل حاشیه وجود  
 مسعودی تکمیل ایشیکل لضا که طریق بر توفیق علم سلاک عازم اولوسه در قاهره  
 ظاهر ده قاضی و حال کاین عزیز تزل نعمت رحمانی اولوسه جلیس دن ملارام  
 اولوسه در ارج الیده مدرسه اولوب عارست فضل کالده امثال و اقرا ننه  
 سابق الین فایده تقدیر رحمان عن کلمت لری سمع تصدیه سانی آینه شندی روم

محمد

و نه